

پژوهشی در ارتباط دختر و پسر در دانشگاه‌ها و نقد دیدگاه‌ها

انسیه ماهینی*

عزت دیره**

چکیده

پژوهش حاضر در صدد است، ضمن توصیف وضعیت موجود در دانشگاه‌های کشور - از طریق انجام تحقیقی میدانی - و ارائه برآوردی از نگرش دانشجویان به رابطه با جنس مخالف و میزان پایبندی به آنها باورهای دینی، به بررسی آرای موجود در این خصوص بپردازد. براساس تحقیق میدانی مزبور، نگرش دانشجویان نسبت به رابطه با جنس مخالف و تأثیر باورهای مذهبی آنها، در حد متوسط ارزیابی شد. افزون بر این، سه نظریه مطرح در این باره، یعنی نظریه‌های اضطراب، اختلاط و اعتدال یا معروف، بررسی شد که نظریه اعتدال به‌رغم داشتن نقاط ضعف، با آموزه‌های دین اسلام مطابقت بیشتری دارد. از این‌رو سعی شد با استفاده از آموزه‌های دینی، نظریه «اعتدال با رویکرد تقلیل و کاهش روابط زن و مرد» طرح، و راهکارهایی جهت رسیدن به وضعیت مطلوب در روابط دختران و پسران، از جمله کنترل و تعدیل گزینه جنسی در سه محور خویش‌ن‌داری، ازدواج و آموزش ارائه گردد.

واژگان کلیدی

ارتباط، بلوغ، هویت جنسی، دختران و پسران، جنس مخالف، اضطراب، اختلاط، اعتدال.

طرح مسئله

بحث «روابط دختران و پسران» از عناوین و موضوعات اخلاق کاربردی است، با توجه به گستردگی زیرمجموعه‌های اخلاق کاربردی، این مسئله را می‌توان از مسائلی «اخلاق جنسی» برشمرد. اخلاق

nc1388@hotmail.com

ezatdeyreh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۵

*. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۲

«معضلات اخلاقی در روابط زنان و مردان / دختران و پسران» است. (بنگرید به: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۷۷) را می‌توان از جمله این مسائل و مرتبط با بحث مورد نظر ما در مقاله دانست.

این مسئله به صورت خاص به جوانان مرتبط است. سهم برجسته و تعیین کننده جوانان در جنبش‌ها و تغییرات اجتماعی و پیشگامی آنها در پذیرش نوآوری به ویژه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، تحولات در چرخه زندگی، طولانی شدن دوره جوانی، تغییر در تربیت و میزان اهمیت مؤلفه‌های مربوط به گذار از کودکی به بزرگسالی، اهمیت یافتن مصرف و رواج خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های متنوع زندگی، تداوم مشکلات مربوط به شهروندی و ادغام اجتماعی جوانان و آسیب‌پذیری ملی حقوق اجتماعی جوانان، از جمله ادله و زمینه‌هایی‌اند که موضوع جوانی و جوانان را به عنوان مقوله‌ای اجتماعی، زیستی، فرهنگی و سیاسی، به موضوعی محوری و جذاب برای مطالعات دانشگاهی تبدیل ساخته‌اند. (ذکایی، ۱۳۸۶: ۷)

بسیاری از این جوانان، دختران و پسران دانشجویی هستند که حداقل در محیط دانشگاه، مجبورند ارتباط نسبتاً مستمری با جنس مخالف خود داشته باشند. پس از پایان تحصیل نیز دختران به کار در محیط‌های بیرون خانه و حضور در اجتماع علاقه دارند که میزان ارتباط آنان با مردان را افزایش می‌دهد. در نوع مواجهه با این شرایط معمولاً جوان دچار نوعی تضاد و تنش می‌گردد؛ زیرا، از طرفی در جامعه نمی‌توان این دو جنس را کاملاً از هم جدا ساخت و از طرف دیگر ابهام در نحوه ارتباط با جنس مخالف و محدوده آن و نیز تمایل غریزی جوان به جنس مخالف او را دچار سردرگمی کرده است؛ بنابراین، نحوه سامان‌دهی ارتباطات مزبور متناسب با شرع و آموزه‌های دینی از جمله پرسش‌های اساسی قابل طرح در این باره است. همچنین مباحثی نظیر معنا، ضرورت و ملاک ارتباط، بیان دیدگاه‌های مختلف در این رابطه و بررسی ادله و نقد آنان قابل طرح و بررسی‌اند؛ از این رو، با توجه به آموزه‌های دین اسلام بررسی بایسته‌ها و نحوه روابط دختران و پسران خصوصاً در محیط‌های دانشگاهی، هم از نظر سلامت فردی و اجتماعی و هم به لحاظ اخلاقی و دینی بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه طبق پژوهش‌های انجام شده آسیب‌های اخلاقی به لحاظ فردی و اجتماعی جامعه جوان ما را به خصوص در محیط دانشگاه تهدید می‌کند روش ما در این تحقیق تلفیقی از هر دو نوع پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی است که با بررسی آرای موجود درصدد دستیابی به راهکاری عملی در پرداختن به مسئله مورد نظر است.

پیشینه بحث

در طول تاریخ چگونگی ارتباط و تعامل زن و مرد (جنس مخالف) فراز و فرودهای زیادی را طی نموده است. کشش فرد به سوی جنس مخالف جزو طبیعت انسان است که در دوره بلوغ (۱۷ یا ۱۸ سالگی) به

اوج خود می‌رسد (بنگرید به: کریمی، ۱۳۷۴: ۵۳)، روابط زن و مرد یا دختر و پسر در تمام ادوار تاریخ، حتی پیش از اسلام، ضابطه و محدودیت‌های ویژه‌ای داشت؛ البته در این زمینه تفاوت‌های فراوانی میان ایران و جهان غرب وجود داشته است. دیدگاه‌های اندیشمندان و افراد اثرگذار غرب در جهت‌دهی‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی در زمینه رفتار با جنس مخالف، معمولاً در یکی از دو جهت، یعنی افراط و تفریط قرار می‌گیرد. طبق دیدگاه برخی آیین‌ها و مکاتب در اعصار گذشته، رهبانیت و تجردطلبی اصل بوده است. (بنگرید به: محمد قاسمی، ۱۳۷۳: ۲۶؛ دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۷۹: ۲۳۶ - ۲۳۴)

دیدگاه سرکوب‌گریزه جنسی، به دلیل مخالفت با طبیعت و اقتضائات واقعی وجود انسان، خودبه‌خود محکوم به شکست بوده، مشکلات فراوانی را ایجاد نمود. حتی نمونه‌هایی از ناهنجاری‌های اخلاقی و روابط نامشروع در همین دوران در بین راهبان و راهبه‌های مسیحی مؤید این معناست. (مطهری، بی‌تا: ۶۴ به بعد) با همه این تفصیلات، در اروپا، با وجود تمام نابسامانی‌ها، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی مشخصی در روابط زن و مرد تعریف شده بود و تا حدودی مرز میان روابط اخلاقی مشروع با رابطه‌های غیر اخلاقی و نامشروع معین بود. هرچند سرپیچی از این حدود، بسیار رخ می‌داد، غیر اخلاقی بودن بعضی رفتارها تردیدناپذیر بود. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۲۵) به‌عنوان مثال، پاک‌دامنی برای زنان و دختران ارزش بود؛ حتی در آغاز دوره رنسانس نیز دختران خانواده‌های اصیل برای حفظ عفت به‌ویژه پیش از ازدواج مراقبت می‌شدند و آنان از مردان غیر فامیل دوری کرده، حتی در صورت از دست دادن عفت، خودکشی می‌کردند. (ابونیا عمران: ۱۳۸۱: ۱۶۴)

به‌هرحال، افراط در سرکوب‌گریزه جنسی، جهان غرب را رفته‌رفته به سمت تفریط کشاند. تا آنجا که ارزش‌ها و هنجارهایی که پیش‌تر در رابطه‌های میان زن و مرد مطرح بود، به‌طور محسوس کمرنگ شد یا از اساس در آن تردید به‌وجود آمد و انقلاب جنسی در غرب شکل گرفت. این انقلاب که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رخ داد، تعریف رفتار جنسی به‌نحوی را گسترده کرد. گفته شده مبانی نظری نظام رفتار جنسی امروز غرب به آرای برخی نظریه‌پردازان روابط آزاد مانند زیگموند فروید، (۱۸۵۶ م - ۱۹۳۹ م) برتراند راسل، (۱۸۷۲ م - ۱۹۷۰ م) کارل مارکس (۱۸۱۷ م - ۱۸۸۳ م) و فردریک انگلس (۱۸۲۰ م - ۱۸۹۵ م) باز می‌گردد. البته گروه‌ها، جریان‌ها و مکتب‌های مختلف دیگری همچون روان‌شناسان انسان‌گرا نیز بر روند شکل‌گیری اخلاق جنسی در غرب اثرگذار بودند.

البته باید توجه داشت که: دیدگاه‌های مبتنی بر روابط آزاد در بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مناسبی مطرح شدند؛ وگرنه نمی‌توانستند فرهنگ غرب را به این گستردگی دگرگون کنند. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۳۲) سیر تحول این بحث در ایران را می‌توان به ایران پیش از اسلام، صدر اسلام تا اواسط دوره قاجار، اواخر دوره

قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جامعه امروز ایران تقسیم نمود. ایرانیان باستان، جز برخی گروه‌های محدود، مانند پیروان مزدک که در دوره‌ای به اشتراک جنسی معتقد بودند، همه بر ازدواج و حفظ اصالت خانوادگی و پرهیز از زیان دیدن شرافت خونی تأکید داشتند. درباره رابطه‌های اجتماعی نیز در بیشتر دوره‌ها، بر جلوگیری از اختلاط میان دو جنس به‌ویژه در خانواده‌های اصیل و طبقات بالای اجتماعی تأکید می‌شد. (بنگرید به: مظاهری، ۱۳۷۷)

با گسترش اسلام در ایران، فرهنگ غالب، براساس برداشت‌هایی از آموزه‌های اسلامی شکل گرفت. البته این فرهنگ، از برخی افراط و تفریط‌ها و اثرپذیری‌های قومی و بومی و امور خلاف اسلام نیز خالی نبود. به‌طور کلی، در میان همه قشرهای آبرومند، رعایت عفت و پوشش اسلامی و پرهیز از ارتباط با نامحرمان، ارزش بود. با وجود تمام فراز و نشیب‌ها، این فرهنگ تا اواسط دوره قاجاریه که جامعه ایرانی به تدریج با فرهنگ مغرب‌زمین آشنا شد، بر ایران حاکم بود و رقیبی برای آن وجود نداشت. (بنگرید به: حجازی: ۱۳۷۶؛ همو: ۱۳۸۱؛ دلریش: ۱۳۷۵) اولین نشانه‌های دگرگونی فرهنگی و گرایش به فرهنگ غرب در روابط زن و مرد را می‌توان از میانه‌های دوره قاجار در ایران پی گرفت. پس از روی کار آمدن سلسله پهلوی، با نفوذ بیشتر فرهنگ غرب و تلاش روشنفکران غرب‌زده، راه کارهای آسان و مشروع برقراری بیشتر روابط، مانند ازدواج موقت، ناپسند دانسته شد و تلاش گسترده‌ای برای ترویج روابط آزاد و نفی هنجارهای شرعی و عرفی در روابط زن و مرد صورت گرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی، دگرگونی فرهنگی بنیادینی را در جامعه ایران رقم زد، تا آنجا که انقلاب اسلامی ایران، انقلاب حجاب نام گرفت.

پس از گذشت چند سال از پیروزی انقلاب، به تدریج نشانه‌های نفوذ فرهنگی غرب نیز نمایان شد. اختلاط‌های به‌وجود آمده در سطح جامعه چه در محیط‌های کاری و چه در محیط‌های علمی و عدم آشنایی بیشتر مردم با محدوده روابط، موجب بروز دوگانگی فرهنگی در جامعه شد به طوری که گاهی در فضاهای دانشگاهی، ارتباط‌های نزدیکی بین دختران و پسران وجود دارد که در ابتدا توجیهات درسی و کاری پیدا می‌کند اما معمولاً به مرور فراتر از آن می‌رود. گفته می‌شود این ناهمگونی فرهنگی، به دلیل التقاط فرهنگ اسلام با فرهنگ غرب یا ناسازگاری سنت با مدرنیسم به‌وجود آمده است.

ازسویی، جامعه برخی ارزش‌ها و هنجارهای زندگی مدرن را پذیرفت و ازسوی دیگر، درصدد حفظ برخی سنت‌های بومی و هنجارهای اسلامی برآمد که حاصل آن، ناهماهنگی و ناکارآمدی نظام فرهنگی است. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۷۲) نکته دیگر آنکه افزایش اختلاط میان نامحرمان، بالارفتن سن ازدواج، برهم خوردن تعادل جمعیتی میان دختران و پسران، بالا رفتن آمار طلاق و افزایش شمار زنان مطلقه، گسترش

فرهنگ غرب و افزایش تحریک‌های موجود در جامعه از طریق فیلم‌ها و سی‌دی‌های مبتذل، اینترنت و ماهواره، شیوع اعتیاد به مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان نوع رابطه با جنس مخالف را با چالش اساسی مواجه کرده است.

با توجه به هنجارها و ارزش‌های اسلامی به نظر می‌رسد نسبت فضای فرهنگی موجود در جامعه اسلامی ایران با فضای مطلوب و ایدئال قابل بررسی است و اهمیت این بررسی و ارائه راه حل مناسب در حل این مسئله در دانشگاه‌ها ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

تعریف و گونه‌شناسی

«روابط دختر و پسر»^۱ از نوع ارتباط با دیگران است که فرد با جنس مخالف خود ارتباط برقرار می‌سازد و می‌تواند شامل انگیزه‌های مختلفی باشد، برخی از آن انگیزه‌ها منحصر به روابط معمول اجتماعی، و بعضی مبتنی بر علایق دوستانه با اهداف گوناگونی مانند تفریح، لذت، آرامش، کنجکاوی و ازدواج بوده، دارای پیامدهای گوناگونی‌اند.

برخی رابطه با جنس مخالف را در دو نوع روابط اجتماعی معمول میان دو جنس و روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی بیان کرده‌اند و مبتنی بر دیدگاه شارع مقدس نیز این روابط به مشروع و نامشروع تقسیم شده است.

یک. روابط معمول اجتماعی میان دو جنس

در این نوع روابط، انگیزه‌های غیر جنسی زیربنای روابط‌اند و نوع رفتار به تناسب آن از محرک‌ها و جنبه‌های خاص جنسی فاصله می‌گیرد. روابطی مانند روابط اقتصادی، علمی و هر رابطه‌ای که در آن انگیزه جنسی غالب نیست، از این نوع روابط‌اند. ممکن است در برخی موارد این‌گونه روابط نیز، دچار آسیب شده و با انگیزه جنسی همراه گردد و به عبارتی، از شکل مشروع خارج شده جهت ارتباط از ضرورت‌های اجتماعی به ارضای امیال شهوی تغییر کند.

دو. روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی

در این نوع رابطه، بهره‌مندی جنسی انگیزه اصلی پیوندخواهی است. دو طرف، رابطه یکدیگر را وسیله‌ای برای بهره‌مندی اقتصادی یا علمی و مانند آن نمی‌بینند، بلکه انگیزه اصلی این ارتباط ارضای گرایش‌های جنسی و بهره‌برداری عاطفی یا جنسی از طرف مقابل است. به تبع چنین انگیزه‌ای، رفتارها نیز با

1. Relationship Between Girls & Boys.

انگیزش‌های جنسی همراه خواهد بود؛ نگاه‌های معنادار، تغزل، لمس و دیگر رفتارهایی که در آنها غلبه انگیزه جنسی مشهود است، از مصادیق این رابطه‌اند. (جوان، ۱۳۸۷: ۲۲ - ۲۰) از نظر شرع مقدس اسلام این نوع رابطه نامشروع است. اسلام هرگونه رابطه جنسی را که فردی با شخصی غیر از همسر شرعی‌اش برقرار کند، نامشروع می‌داند، حتی اگر این‌گونه ارتباطها در حد رد و بدل شدن نگاه‌ها یا صحبت‌های آمیخته با انگیزه‌های جنسی و شهوانی باشد. (همان: ۳۸ - ۳۷) در برخی احادیث این‌گونه ارتباطها (اموری مانند نگاه، لمس و بوسیدن)، شعبه‌هایی از زنا دانسته شده است.

عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام قالوا: «ما من احد و هو یصیب حظاً من الزنا، فزنا العینین النظر و زنا الفم القبلة و زنا الیدین اللمس، صدق الفرج ذلک أو کذب». (حر عاملی، ۱۳۹۷ق: ۲۰ / ۱۹۱ / ح ۲۵۳۹۶)

هیچ‌کس نیست مگر اینکه بهره‌ای از زنا را می‌برد زیرا زنا ی چشمان نگاه، و زنا ی دهان بوسیدن و زنا ی دستان لمس کردن است خواه زنا ی فرج صورت پذیرد یا خیر.

با توجه به رویکرد شارع مقدس برداشت‌های گوناگونی از آموزه‌های اسلام درباره روابط با جنس مخالف و چگونگی آن در جامعه وجود دارد و این برداشت‌ها با توجه به اینکه اکثر جوانان در ارضای غریزه جنسی به ادله گوناگون دچار مشکل بوده، این مسئله فکر آنها را به خود مشغول کرده است. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۸۸) افزون بر این بسیاری از جوانان مجرد بوده مبتنی است ضمن آنکه دختران و پسران دانشجویی هستند که حداقل در محیط دانشگاه مجبورند ارتباط نسبتاً مستمری با جنس مخالف خود داشته باشند. لذا اینها به‌عنوان ضرورت ارتباط تلقی لذا ارتباط با جنس مخالف همواره مورد توجه آنان قرار گرفته است. براساس پژوهشی که صورت گرفت و در آن روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی مورد توجه قرار گرفت و مشخص شد ملاک این نوع روابط توجه به جذابیت‌های جنسی طرفین و امکان برقراری روابط عاطفی‌ای خارج از حریم‌های دینی است که متضمن پیامدهای مخرب فراوان است.

دیدگاه‌های مختلف درباره روابط دختران و پسران

به‌طور کلی سه دیدگاه درخور توجه در این خصوص مطرح است:

یک. دیدگاه اضطرار یا روابط محدود (نظریه سخت‌گیرانه)

براساس این دیدگاه باید روابط به حداقل ممکن رسیده و تنها در صورت ضرورت و اضطرار، رابطه‌ای - حتی روابط معمول اجتماعی - برقرار شود. به عبارت دیگر، وقتی رجحان و سودی لازم گردد یا وانهادن آن

به پیشرفت و آسایش مادی و معنوی انسان اخلال وارد کند، آن ارتباط ضرورت می‌یابد و ایرادی ندارد، ولی تا به این مرحله نرسیده باشد، بهتر است از هرگونه ارتباط پرهیز شود.

ادله مخالفین روابط آزاد یا دیدگاه اضطرار

۱. استناد به آیات

قرآن به حدود روابط دو جنس مخالف را با یکدیگر توجه نموده، برخی آیات نیز، به نوع پوشش، نگاه، گفتار و رفتار اشاره کرده‌اند. به عبارت دیگر، با برقراری روابط آزاد یا معمولی با رعایت محدوده روابط بسیار مشکل یا ناممکن است؛ چنان که برخی آیات به غیر ممکن بودن آن اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال طبق بیان قرآن، حضرت یوسف علیه السلام اگر برهان الهی را مشاهده نکرده بود، جذب زلیخا می‌شد. «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ؛ أَنْ زَنَ قَصْدَ او كَرَدَ؛ وَ او نَبِز - اِگر برهان پروردگار را نمی‌دید - قَصْدِ وِی مِی‌نمود» (یوسف / ۲۴) و آیه «قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنُّ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ (یوسف / ۳۳) [یوسف] گفت: پروردگارا زندان نزد من خوش‌تر است از آنچه مرا بدان می‌خوانند، و اگر نیرنگ آن زنان را از من نگردانی به آنها گرایم و از نادانان باشم.»

لذا این آیه نشان می‌دهد دشواری حفظ حریم اقتضا می‌کند حتی پیامبر خدا هم به خدا از این مسئله پناه ببرد و به طریق اولی نشان‌دهنده ضرورت اجتناب از هر ارتباطی است.

۲. استناد به روایات

روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام بر این دیدگاه دلالت دارند. مثلاً از حضرت فاطمه علیها السلام منقول است که می‌فرماید: «برای زنان بهتر است که هیچ مردی را نبینند و هیچ مردی نیز آنها را نبیند.» (حر عاملی، ۱۳۹۷ق: ۱۴ / باب ۱۲۹ / ح ۳)

یا نامه ۳۱ حضرت علی علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام که می‌فرماید: «و در پرده‌شان نگاه دار تا دیده‌شان به نامحرمان نگریستن نیارد که سخت در پرده بودن آنان را از - هر گزند - بهتر نگاه دارد، و برون رفتنشان از خانه بدتر نیست از بیگانه که بدو اطمینان نداری و او را نزد آنان در آری.» (نهج البلاغه، ۱۳۷۶: ۳۰۷)

برخی با استناد به روایاتی که مردان را از ابتدا کردن به سلام نسبت به زن نهی کرده است، به سیره معصومین و اولیای الهی تمسک می‌کنند. (حر عاملی، ۱۳۹۷ق: ۱۴ / باب ۱۳۱ / ح ۲ - ۱)؛ مثلاً اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام با زنان جوان سلام نمی‌کردند. (همان: ح ۳) یا بعضی به این مسئله فقهی که در

اسلام حضور زن در نماز جمعه و عیدین واجب نشده است یا کراهت شرکت زنان در تشیع جنازه را بیان می‌نمایند.

۳. ایجاد مشکلات روحی و روانی

نوجوانان و جوانانی که به طریق غیر مشروع و غیر متعارف با جنس مخالف، رابطه دوستانه برقرار می‌کنند، آسیب می‌بینند. این آسیب در بعد روانی به صورت مشترک بین دختران و پسران دیده می‌شود. آسیب روانی در دختران در صورتی که بی‌وفایی از طرف مقابل ببینند، آنان را تا مرز افسردگی پیش می‌برد. آنان شأن و کرامت خود را آنچنان آسیب‌دیده می‌انگارند که از خود متنفر شده، پیوسته احساس بی‌ارزشی می‌کنند که این خود، یک آسیب روانی^۱ برای دختران بشمار می‌رود.

افراط در ارتباط با غیر همجنس در پسران نیز، موجب بروز رفتارهایی می‌شود که با جامعه ناهماهنگ است؛ رفتارهایی مانند بی‌علاقگی به درس، عدم موفقیت در کار، بی‌ثباتی در کاری معین که این‌گونه افراد را مستعد بزهکاری می‌کند. (احمدی، ۱۳۷۸: ۹ - ۷)

برخی روابط به صورت پنهانی صورت می‌پذیرد که با استرس و فشار روانی همراه‌اند؛ ترس از برملا شدن روابط در خانواده و جامعه، عامل ایجاد این فشار روحی و روانی است. در بعضی موارد شدت فشارهای عصبی و روانی بر آنها به مرحله‌ای می‌رسد که دست به خودکشی می‌زنند. و این در حالی است که والدین و خانواده نیز از این مشکلات بی‌بهره نیستند.

۴. تضعیف بنیان خانواده

معمولاً یکی از اهداف برقراری ارتباط بین جوانان، ازدواج است. طی پژوهشی میدانی نگارنده بین دانشجویان، بیشتر آنان در پاسخ به این پرسش که به نظر شما هدف اصلی برقراری ارتباط با جنس مخالف چیست؟ از میان گزینه‌های ازدواج، آرامش، تفریح، کنجکاو و لذت، گزیه ازدواج، و پس از آن به ترتیب، آرامش، لذت، کنجکاو و تفریح را برگزیدند.

با توجه به شواهد آماری مشخص شده است که به دلایل مختلفی از جمله فشار مسائل عاطفی به جای بحث‌های عاقلانه، تکیه بر جذابیت‌های ظاهری و غیر واقعی و توجه به وقایع گوناگون، اکثر این ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. (بنگرید به: جاودانی، ۱۳۸۲: ۸۸ - ۸۷) بنابر آمار، ۷۶ درصد طلاق‌های زیر سه سال و ۸۹ درصد کل طلاق‌ها، از آن کسانی است که خود، بانی آشنایی شده‌اند و با وجود مخالفت خانواده، بر ادامه آن پا فشرده‌اند. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۹۵) به عبارت دیگر، حتی روابطی که در نهایت به تشکیل خانواده منجر

1. Psychic Damage.

می‌شود نیز، با آسیب‌هایی مانند ایجاد شک و تردید، سوء ظن نسبت به همسر، مشکل اضطراب و تنوع‌طلبی و خطر برگشت به عادات پیشین و لغزیدن در فساد همراه است. (بنگرید به: فقیهی، ۱۳۸۷: ۱۵۶) با توجه به آمار گزارش شده از کشورهای غربی - در حالی که روابط کاملاً آزاد است - به حداقل رسیدن ازدواج‌ها، افزایش طلاق‌ها و زندگی‌های مشترکی که خارج از دایره ازدواج صورت می‌پذیرد بسیار درخور توجه‌اند؛ چراکه همه موارد مزبور به سستی بنیان خانواده می‌انجامد. (بنگرید به: وتیز، ۱۳۸۳: ۴۱ - ۴۰)

۵. افت شدید تحصیلی

یکی از بارزترین عارضه روابط نامشروع جنسی، شکست تحصیلی دختران و پسران است. با توجه به ماهیت و مکانیسم یادگیری، هر فراگیر می‌بایست به‌طور مستمر در جهت هرچه غنی‌تر ساختن دانش پایه خود در تمامی دروس و یادگیری‌های معنادار تلاش کند و مسلم است که دستیابی به آن تنها با داشتن هدفمندی بالا و شفاف، و بهره‌مندی از فکری فعال و تمرکزی درخور ممکن می‌شود. در این مسیر به نظر می‌رسد گرایش‌های عاطفی به جنس مخالف یکی از عوامل مختل‌کننده تمرکز حواس دانش‌آموزان (یا دانشجویان) نوجوان (و جوان) است.

نتیجه تحقیقات و مطالعات بیانگر گستردگی دامنه تأثیرپذیری و آسیب‌پذیری روابط غیر اخلاقی است که ایجاد تزلزل در تحصیل و آموزش یکی از تأثیرات شایع آن است؛ حال آنکه این‌گونه روابط با ایجاد دغدغه‌های ذهنی و سلب آزادی‌های فکری همراه‌اند و پژوهش‌های میدانی صورت گرفته در این زمینه نیز، مؤید این مسئله است. (خطیبی، ۱۳۸۴: ۳۳ - ۳) این عارضه در برخی موارد به ترک تحصیل و گوشه‌گیری نیز می‌انجامد.

۶. سستی ایمان و تأثیر منفی بر صفای باطن

در متون اسلامی عبادت و دین‌داری جوان اهمیت و جایگاه خاصی دارد؛ درحالی‌که بیشتر روابط نامشروع جنسی در جوانی اتفاق می‌افتد که افزون بر بی‌رغبتی نسبت به عبادت باعث سستی عفت در فرد و جامعه می‌گردد. (بنگرید به: کشوری، ۱۳۸۷: ۱۱۱) عده‌ای نیز معتقدند، نظریه اخلاقی وجود حریم بین زن و مرد در شریعت اسلام، مبتنی بر حقایق تکوینی است و از مبادی تفکر کلامی و فلسفی سرچشمه می‌گیرد. یعنی اگر حریم نباشد، روح انسان در معرض جاذبه تکوینی قرار گرفته، جاذبه‌های مثبتی که برای تکامل روح لازم است از او سلب می‌شود؛ چراکه توجه به جمال‌های محدود، روح انسان را از جاذبه به‌سوی جمال مطلق باز می‌دارد. انفکاک محیط‌های زنانه از مردانه سبب می‌شود روح انسان از جاذبه‌های کاذب جنسی در امان بماند و انسان با چشم فرو بستن از جمال‌های محدود، به جمال مطلق و تعالی حقیقی دست یابد و

سرعت سیر او در مدار رسیدن به فلاحیت بیشتر شود. (صالحی، ۱۳۸۵: ۱۷۳ - ۱۷۲) از این رو، برخی از عرفا از ارتباط با جنس مخالف حذر نموده و به حداقل اکتفا می‌نموده‌اند.

۷. لطمه‌پذیری بیشتر دختران

هرچند عوارض برقراری ارتباط نامشروع گریبان‌هردو جنس را می‌گیرد، براساس همه شواهد تجربی، دختران در این زمینه آسیب‌پذیرترند. اگر آسیب‌های این‌گونه روابط را به سه قسم روانی، اجتماعی و تربیتی تقسیم کنیم، به‌جرت می‌توان گفت، در هر سه بعد، دختران بیش از پسران آسیب‌پذیرند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۷) براساس تحقیقات علمی بین دختران و پسران در برقراری ارتباط با جنس مخالف تفاوت ماهوی وجود دارد. بسیاری از زنان قبل از اینکه رابطه جنسی بخواهند، خواستار رابطه عاطفی و عاشقانه‌اند. (آلن و باربارا پیتر، ۱۳۸۴: ۲۸۲) درحالی‌که طبق آمارهای موجود این نیاز در اکثر موارد برآورده نمی‌شود و در بیشتر مواردی که تأمین می‌شود نیز، در درازمدت به شکست می‌انجامد. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۹۵)

معمولاً در چنین روابطی خشونت جنسی علیه زنان گزارش می‌شود. همچنین با توجه به اینکه غالب دختران هدف از برقراری چنین روابطی را ازدواج می‌پندارند و معمولاً نیز این اتفاق نمی‌افتد، بیشترین خسارت را خصوصاً اگر کام‌جویی جنسی نیز اتفاق افتاده باشد، دختران از آن خواهند برد. (بنگرید به: بی‌نا، ۱۳۸۴: ۲۳ - ۲۲)

۸. پیامدهای منفی روابط با جنس مخالف

هرچند همه موارد مزبور از پیامدهای این‌گونه روابط بشمار می‌آیند، موارد فراوان دیگری را می‌توان نام برد که از عوارض ارتباط با جنس مخالف‌اند؛ از جمله: ایجاد ناهنجاری‌های جنسی مثل استمناء و استشهاء، هم‌جنس‌گرایی، زنا و روسپیگری، نظربازی، حیوان‌بازی، آزارگری جنسی، آزارخواهی جنسی، یادگارپرستی، بچه‌بازی و نمایشگری. (بنگرید به: فقیهی، ۱۳۸۷: ۳۰۳ - ۳۵) افزایش فرزندان نامشروع، سقط جنین، اعتیاد به مشروبات الکلی، بزه‌کاری‌های مختلف بر اثر ناکامی‌ها و مشکلات روانی، افتادن در دام کام‌جویی‌های بدلی، تأخیر در سن ازواج، خانواده‌های تک‌والدینی، ازدیاد مفاسد، جرم و جنایات، شایع شدن بدحجابی، مزاحمت‌های خیابانی و دیگر ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی و تضعیف اجتماع.

دو. دیدگاه اختلاط یا روابط آزاد (نظریه سهل‌گیرانه)

نظریه اختلاط به دو صورت افراطی و معمولی مطرح می‌شود. صورت‌بندی کلی دیدگاه مزبور این است که زن و مرد، هردو انسان‌اند و هر انسانی نیاز به ارتباط دارد و اگر در ارتباط، جنبه‌های انسانی در نظر

گرفته نشود، انحطاط و تباهی به دنبال می‌آورد. پس اگر در تربیت دختر و پسر به جنبه انسانی آنها تکیه شود و آن دو از یکدیگر متمایز نشوند، زمینه ارتباط‌های غلط برطرف می‌شود. در وجه افراطی قضیه این گونه روابط محدوده‌ای ندارند و حتی اختلاط جنسی هم، ممکن است. اما در صورت معمولی آن، محدودیت‌های شرعی و عرفی باید رعایت شوند. براساس این نظریه، اختلاط به معنای اختلاط جنسی نیست؛ از این رو، اختلاط پسرها و دخترها الزاماً انحراف جنسی به بار نمی‌آورد. (بانکی پورفرد، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۸۴)

ادله موافقین بر قراری روابط آزاد - اختلاط

۱. آرامش روانی و کاهش التهاب‌ها

اگر روابط آزاد باشد، حساسیت‌ها و التهاب‌ها فروکش کرده، آرامش روانی استقرار می‌یابد. زیرا انسان را از هرچه منع می‌کنند به آن حریص‌تر می‌شود. (مقیمی حاجی، ۱۳۸۰: ۳۳) راسل می‌گوید:

هر آن قدر که تمایلات جنسی را بیشتر دچار احتقان و خفقان کنند، قدرت تمایلات جنسی شدیدتر خواهد شد. ۹۰٪ انگیزه خواندن و دیدن مطالب و عکس‌های رکیکی که با امور جنسی مرتبط می‌شود، نتیجه منع اخلاقیون از دیدن و خواندن آنها می‌باشد و ۱۰٪ بقیه امور جسمانی است که ممکن است در اثر وضعیت قانون تغییر حالت پیدا کند و به صورت دیگری تجلی نماید. در این زمینه با کمال تأسف باید بگویم که اکثریت با من هم عقیده نیستند ولی با تمام ثبات و اطمینان می‌گویم که در این امور هیچ قانونی نباید وضع شود که سبب نهمی و توقیف مطالبی از این گونه شود. تحریم برهنگی یکی از عواملی است که سبب می‌شود که انسان برداشتی کافی از امور جنسی نداشته باشد. (راسل، زناشویی و اخلاق، ۱۳۵ - ۱۳۴، به نقل از: محمد قاسمی، ۱۳۷۳: ۸۲)

براساس معتقدات راسل یکی از مهم‌ترین وظایف والدین آشنا کردن فرزندان از بدو طفولیت با مسائل جنسی است؛ زیرا در غیر این صورت امور جنسی برای آنها در هاله‌ای از خرافات و پلیدی‌ها پیچیده خواهد شد. همچنین دولت باید از سانسور که در قانون وضع شده است، دست بردارد؛ در غیر این صورت التهاب‌ها در سطح جامعه افزایش می‌یابد. (همان)

بنابراین نظر اگر حریم‌ها برداشته شود و روابط آزاد باشد، التهاب‌ها از میان رفته، آرامش جایگزین آن می‌شود. این دیدگاه را براساس دیدگاه سوم نقد خواهیم کرد.

۲. استحکام پیوند خانوادگی

لازمه دوام و استحکام زندگی، عشق است و عشق جز با آموزش و تجربه‌های متعدد و ایجاد روابط

حاصل نمی‌شود. بنابراین دختر و پسر باید قبل از ازدواج تمرین عشق کنند تا بتوانند زندگی سرشار از عشق را تدارک ببینند. (مقیم‌ی حاجی، ۱۳۸۰: ۴۴) براساس این نظریه اگر میان دختر و پسر رابطه‌ای نباشد و طرفین از هم شناختی نداشته باشند، ازدواج آنها کورکورانه خواهد بود و این‌گونه ارتباط‌ها باعث انتخاب ناآگاهانه در ازدواج می‌شود؛ زیرا بدون برقراری ارتباط پسر و دختر در جامعه آنها برای انتخاب درست دچار مشکل می‌شوند. چراکه به دلیل نداشتن درک صحیحی از جنس مخالف افزون بر عدم توانایی شناخت خصوصیات مثبت و منفی ظاهری و باطنی در ازدواج، از شناخت کامل شریک زندگی آینده خود ناتوان خواهد بود. (بانکی‌پور، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۸۶) در این نظر ادعا می‌شود وقتی در جامعه‌ای فرد با افراد مختلف ارتباط داشته باشد می‌تواند کمبودهای همسرش را جبران کند و به فکر جدایی یا نگرانی‌های دیگر نیفتد.

بنابراین طرفداران این دیدگاه وجود هرگونه حریمی را بین دو جنس در جامعه مردود می‌دانند و حتی اعتقاد دارند جداسازی دختران و پسران در جامعه و دانشگاه، افزایش سن ازدواج، ازدواج‌های تحمیلی و ازدواج‌های ناموفق را در پی خواهد داشت.

۳. احساس نیاز به محبت و ابراز شخصیت

از جمله نیازهای فطری انسان نیاز به روابط اجتماعی، محبت، تأیید و احترام است. در بررسی‌های انجام شده درخصوص علل برقراری ارتباط با جنس مخالف خصوصاً در جوانان به ارضای نیازهای مزبور اشاره شده است.

برخی از پسران، داشتن دوست دختر را نوعی توفیق و قدرت اجتماعی تلقی می‌کنند. از این رو برای نشان دادن قدرت خویش، سعی می‌کنند به نحوی با دختران ارتباط برقرار سازند. دختران نیز داشتن رابطه با پسران را نوعی جاذبه به‌شمار می‌آورند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۶)

همچنین دختران و پسرانی که در خانواده نیاز به محبت و ابراز شخصیتشان ارضا نمی‌شود، از راه‌های دیگر به ارضای آن خواهند پرداخت که برقراری ارتباط با جنس مخالف یکی از آن راه‌هاست. در بررسی علل روابط دختر و پسر گفته شد، دختر یا پسر جوان دانشجویی که وارد فضای دانشگاهی می‌شود به پذیرفته شدن محیطی تمایل داشته، در صورت عدم پذیرش از سوی تشکل یا گروهی خاص ممکن است به جنس مخالف پناه آورده، از این طریق درصد پر کردن خلوت‌ها و برآوردن نیازهایش برآید. (منصوری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۹)

بنابراین با توجه به همه مسائل، این کشش درونی و نیاز شدید به محبت و مهربانی در جوانان از این طریق می‌تواند ارضا شده، باعث شکوفایی استعدادهای آنها شود.

۴. ایجاد فرصت‌های برابر جنسیتی در زمینه‌های مختلف

اگر ارتباط‌ها آزاد باشد، هر دو جنس دارای فرصت‌های برابر شغلی، آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و ... خواهد بود؛ و در صورت محدود شدن روابط، این فرصت‌ها از بین خواهد رفت و معمولاً زنان در این بین قربانی خواهند شد. (مقیم‌حاجی، ۱۳۸۰: ۷۴) روایت افراطی این نظر، همان نظریه فمینیست‌های مدرن است که معتقدند باید دیواری نفوذناپذیر بین جهان زنانه و مردانه ایجاد نمود. آنها می‌پندارند انفکاک محیط‌های زنان از مردان سبب دستیابی زنان به پیشرفت‌های بهتر و والاتری خواهد شد. (بنگرید به: صالحی، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

۵. جلوگیری از افزایش مفاسد و ایجاد امنیت بیشتر در جامعه

اگر دختران و پسران نتوانند آزادانه در محیط اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند، این ارتباط به صورت پنهانی و دور از نظارت خانواده و اجتماع ایجاد شده، به دلیل پنهان کاری، دختران بیش از پسران لطمه خواهند دید:

محدودیت روابط در اجتماع، ارتباط دختر و پسر را به خانه کشانده است. اما باز هم دختران بی‌آنکه از امنیت حضور در محیط خانواده برخوردار باشند در جست‌وجوی معاشرت‌های اجتماعی آزادانه‌تر هستند ... (کلوموروتزی و صادقی، ۱۳۸۶)

از طرف دیگر در چنین وضعیتی دختران به دلیل محدودیت در روابط آزاد به پرورش جاذبه‌های جنسیتی در جامعه می‌پردازند و آستانه تحریک‌پذیری جامعه را بالا می‌برند؛ اما چون فرصت ارضا برای پسران وجود ندارد، آنها به کام‌جویی‌های بدلی و ناهنجاری‌های جنسی کشیده می‌شوند. بنابراین برداشته شدن محدودیت‌ها و رشد سطح فرهنگ جامعه، موجب افزایش ضریب امنیت و کاهش مفاسد و جرم و جنایت خواهد شد.

۶. اوضاع حاکم بر جامعه جهانی

اوضاع حاکم بر جامعه جهانی، جدایی دو جنس را از هم ناممکن کرده است. زیرا عصر حاضر، عصر ارتباطات و اطلاعات است. از این رو، همان‌گونه که در این عصر، فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب به گفت‌وگو و ارتباط میان هم تن داده‌اند، پس پیروی از الگوی جهانی، باید ارتباط و مصاحبت میان همه افراد بشر، فارغ از جنسیت، نژاد، رنگ، دین و مذهب را باید پذیرفت. (نیکزاد، ۱۳۸۳: ۱۲۲) در غیر این صورت، از آنجا که نیاز به ارتباط و رفت‌وآمد با کشورهای دیگر قطعی است، فردی که فضای محدود را تجربه کرده و تجربه رویارویی آزاد با جنس مخالف را ندارد با وارد شدن در جوامع باز، یک‌باره زمینه انحراف یا انزوای او فراهم خواهد شد و ...

سه. دیدگاه معتدلانه (نظریه مشهور)

این دیدگاه، درحقیقت نقدی بر دو دیدگاه قبل است. براساس این نظریه، از دیدگاه اسلام زن و مرد دارای هویتی انسانی بوده، برپایه این هویت می‌توانند باهم ارتباط و تعاملات اجتماعی داشته باشند. بنابراین مرد باید در زیرساخت‌های فکری خویش تصویر درستی از زن به‌عنوان یک شخصیت ارجمند، پاک و با کرامت داشته باشد و زن نیز باید در روساخت‌های رفتارش که وجوه ارتباطی او را در پوشش، گفتار و حرکات نمایان می‌سازد، حرمت و کرامت زن بودن خود را نشان دهد. (نیکزاد، ۱۳۸۳)

ادله معتقدان به دیدگاه اعتدال یا معروف

۱. استناد به آیات

قرآن کریم در بسیاری از موارد در روابط زن و مرد از کلمه معروف استفاده کرده است. این واژه در قرآن ۳۸ مرتبه تکرار شده است که نوزده بار آن درباره ارتباط با زنان است، گویی معیار و میزان، معروف بودن روابط است. مثلاً در آیه نوزدهم سوره نساء آمده است: «وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» با زنان به‌طور شایسته معاشرت کنید. براساس این نظریه قرآن مردان را در ارتباط و معاشرت با زنان به معروف امر می‌کند.

«معروف» به‌معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته‌شده بداند و با آن مأنوس باشد و با ذائقه‌ای که اهل هر اجتماع از نوع زندگی اجتماعی خود به‌دست می‌آورد، سازگار باشد. این واژه، متضمن هدایت عقلی، حکم شرعی، فضیلت اخلاقی و سنت‌های ادبی و انسانی است و چون اسلام شریعت خود را براساس فطرت و خلقت بنا کرده است، «معروف» همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت و از مقتضای نظام خلقت منحرف نگردیده باشند. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴ / ۲۴)

براساس این تعریف، معیار را در روابط زن و مرد روشی است که جامعه با در نظر گرفتن راهنمایی عقل و شرع و فطرت می‌پسندد. علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب / ۳۲) «قول» را به‌معنای مطلق معاشرت، و محتوای آیه را خطاب به همه زنان می‌داند؛ هرچند همسران پیامبر مخاطب اولیه آیه‌اند. (همان: ۱۶ / ۴۶۱) طبق این آیه سخن گفتن زنان با مردان نفی نشده بلکه درخصوص آن به معروف امر شده است.

سخن معمول و مستقیم بگویید، سخنی که شرع و عرف اسلامی، (نه هر حرفی) آن را پسندیده دارد، و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند. (یا همراه کرشمه و ناز نباشد). (همان: ۴۶۲)

طبق این بیان، وظیفه زنان در معاشرت با مردان نیز، رعایت مبنای معروف است؛ یعنی قرآن با صراحت هم به مردان و هم به زنان تأکید کرده است که بر مبنای معروف با جنس مخالف رفتار کنند. شواهدی دیگر نیز در قرآن وجود دارد که اصل ارتباط و معاشرت زن و مرد را می‌پذیرد از جمله آیاتی که در ارتباط حضرت موسی علیه السلام و دختران شعیب آمده و مبتنی بر ضرورت و معیارهای اخلاقی و ایمانی دارد.

۲. اصل اعتدال در اسلام

اسلام دین فطرت (روم / ۳۰) و فطرت مبتنی بر اعتدال بوده، از افراط و تفریط گریزان است. بنابراین اسلام در مسئله ارتباط دختر و پسر یا زن و مرد نه سخت‌گیرانه هرگونه ارتباط گفتاری، دیداری و شنیداری را ممنوع کرده و نه ولنگارانه و تساهل‌مآبانه هرگونه ضابطه و حریمی را در ارتباط با دو جنس مخالف - غیر محارم - بی‌اعتبار دانسته است. (نیکزاد، ۱۳۸۳: ۱۲۷) آیات و روایات فراوانی از جمله آیه ۱۴۳ سوره بقره و آیه یک سوره حجرات مؤید این نظرند.

در ادامه این استدلال گفته می‌شود، معمولاً در طرح دیدگاه‌های دینی، باید بر آنچه در متون دینی آمده و از جانب خدا و پیشوایان دینی گفته شده است، پایبند و ملتزم بود و از اعمال سلیقه شخصی به‌شدت پرهیز کرد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در حکمت ۱۰۵ *نهج البلاغه* می‌فرماید:

خداوند حدود و مرزهایی قرارداده است، از آنها تجاوز نکنید؛ محرمانی قرار داده، آنها را نقض نکنید! واجباتی قرار داده آنها را ترک نکنید؛ و درباره چیزهایی سکوت کرده است (نه آنها را حرام کرده و نه واجب) این سکوت از روی فراموشی نبوده بلکه خواسته است شما در آن موارد آزاد باشید. سپس شما خود را در آن زمینه‌ها به تکلف و مشقت نیندازید و از پیش برای خودتان، تکلیف درست نکنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید:

خداوند دوست دارد، آنچه را اجازه داده و ممنوع نکرده است، انجام دهند و از پیش خود آن را ممنوع نشمارند؛ همان‌گونه که دوست ندارد آنچه را نهی کرده و ممنوع دانسته است، انجام دهند. (جامع الصغیر، ۱۳۷۹: ۱۹ / ۵۶۳)

براساس مستندات فوق می‌توان گفت، در اسلام همچنان که حریم‌های اختلاط مشخص می‌شود، اصل ارتباط نهی نمی‌گردد. از این رو نمی‌توان به احتیاط تمسک کرد و رأی به حرمت هرگونه ارتباط داد؛ زیرا ایجاد محدودیت و ممنوعیت بیش از آنچه شارع مقدس فرموده است، خود، عامل مهمی برای بی‌بندوباری و مرزشکنی است؛ زیرا این‌گونه تصور می‌شود که پایبندی به مقررات و حدود شرعی، عملی

بسیار دشوار و بلکه غیر عملی است و چاره‌ای جز بی‌بندوباری و مرز شکنی نیست. (نیکزاد، ۱۳۸۳: ۱۲۹)

مسئله نظریه اختلاط نیز مردود است زیرا این نظریه به‌طور کامل با آیات و روایات فراوان و فتاوی فقها ناسازگاری دارد. آیات و روایات متعددی در باب لزوم رعایت عفاف، حفظ حریم و ممنوعیت اختلاط با جنس مخالف و حرمت خلوت زن و مرد نامحرم و تبرج و خودآرایی زنان در خارج آمده است. همچنان که این نظریه نه با تجربه و واقعیت‌ها سازگار است و نه با علم همخوانی دارد؛ (همان: ۱۲۳ - ۱۲۲) بنابراین، بهترین راه، اعتدال یا انتخاب راه میانه است که قرآن آن را ویژگی امت اسلامی معرفی می‌کند. (بقره / ۱۴۳)

۳. سیره انبیا و ائمه علیهم‌السلام

موارد زیادی در تاریخ گزارش شده است که معصومین علیهم‌السلام با افراد بیگانه معاشرت داشته‌اند. برخی از این گزارش‌ها در قصص قرآنی آمده است مانند: مراقبت زکریا از حضرت مریم (آل عمران / ۳۷)، ملاقات حضرت سلیمان با بلقیس (نمل / ۴۲)، گفت‌وگوی حضرت موسی با دو دختر شعیب. (قصص / ۲۵ - ۲۳) صاحب *وسائل الشیعه* در این زمینه می‌گویند:

از مجموعه روایات استفاده می‌شود که برای زنان رواست که برای مجالس عزا یا برای انجام حقوق مردم یا تشییع جنازه بیرون روند و در این مجامع شرکت کنند؛ همچنان که فاطمه علیها‌السلام و نیز زنان ائمه اطهار علیهم‌السلام در مثل این موارد شرکت می‌کرده‌اند. (حر عاملی، ۱۳۹۳ق: ۱ / ۷۳)

روایاتی از معصومین علیهم‌السلام نیز مؤید همین نکته است؛ مثلاً اجازه شرکت زنان مسلمان برای مداوای مجروحان در جنگ خیبر. (همان: ۷ / ۶۷۴)

افزون بر این سیره بزرگان دین از جمله: خطبه غرّای حضرت زهرا علیها‌السلام در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سخنرانی حضرت زینب علیها‌السلام در کوفه و شام در جمع عمومی مردم و مجلس یزید و سلام کردن پیامبر و حضرت امیر علیه‌السلام به زنان، (همان: ۱۴ / ۳ - ۱) تأیید و تشویق اسماء دختر یزید انصاری توسط پیامبر به جهت سخنان شیوا، گفت‌وگوی حضرت زهرا علیها‌السلام با صحابه پیامبر، از جمله سلمان، بلال، معاذ بن جبل، جابر بن عبدالله انصاری و خلفای اول و دوم مؤید مطلب فوق است. (کلینی: ۵ / ۵۲۸؛ حر عاملی، ۱۳۹۳ق: ۳ / ۲۷)

۴. نداشتن معایب نظریه اضطرار و اختلاط

نگرانی‌هایی که منتهی به نظریه اضطرار می‌شود، در اینجا بدون آنکه عوارض نظریه اضطرار را داشته باشد، لحاظ شده است. در جایی که خصوصیت زن و مرد یا سن آنها یا وضع محیط برای یکی از آنها لغزش‌آور باشد، بدون جلوگیری از ارتباط‌های متعارف و مستحسن خلاف عرف شمرده می‌شود؛ افزون بر

اینکه عواملی که نظریه اختلاط به عنوان نکات مثبت آن را دنبال می‌کرد نیز، در نظریه معروف تأمین می‌شود؛ یعنی هماهنگی با عرف بین‌الملل یا فرهنگ‌های دیگر - تا آنجا که اخلاق در شرع، عقل و طبع انسان نداشته باشد - تأیید می‌شود و با منفی‌نگری، حرص و التهاب نمی‌آفریند و ارتباط‌های خارج از محدوده عقلی، شرعی و عرفی را مردود می‌شمارد. (بانکی‌پور فرد، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۹۵)

ارزیابی و تحلیل دیدگاه‌ها

۱. سه دیدگاه فوق براساس معیارهایی که عقل و دین ارائه می‌کند قابل بررسی و ارزیابی است. به نظر می‌رسد بین دیدگاه‌های سه‌گانه رویکرد اعتدالی موافق دین، شریعت و عقلی است که به تأیید شارع مقدس رسیده است. با این وصف در بین این سه رویکرد نقاط مشترکی نیز موجود است.

براساس دیدگاه‌های پیش‌گفته اصل ارتباط و تمتع جنسی رد نمی‌شود؛ بلکه در قالبی خاص قرار می‌گیرد. شاهد قرآنی این مدعا (ارتباط مقید و مشروط) آیه ۲۳ سوره قصص است که به داستان برخورد موسی علیه السلام با دختران شعیب می‌پردازد. (بنگرید به: منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۵۲ به بعد) اما متون دینی به صراحت روابط بی‌قید و شرط و آزاد را رد می‌کنند. قرآن به این‌گونه روابط (خدن) می‌گوید و گرچه این لفظ مفرد و جمع نمی‌پذیرد، به علت دلالت بر کثرت و زیادی، آن را در صیغه جمع (اخذان) می‌آورد. به عبارت دیگر وقتی کسی به منظور فحشا و زنا دوستی می‌گیرد به او و به مثل او قناعت نمی‌کند؛ چون نفس آدمی حریص است اگر قرار باشد خواست نفس را برآورد و از آن اطاعت کند، حتماً دوستان زیادی را برای فحشا می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۴۴۳) مسئله دوست‌گیری بین عرب حتی در بین زنان آزاد و برده آنان متداول بود و مردم کسی را به این جهت ملامت و مذمت نمی‌کردند. (همان) بنابراین خداوند در آیات ۲۵ سوره نساء و ۵ سوره مائده، ازدواج با این افراد را ممنوع کرد.

به عبارت دیگر از جمله عواملی که امروزه در شیوع رفتارهای ناهنجار جنسی بسیار مؤثر است «اختلاط دختر و پسر» در مراکز آموزشی، مجالس و دیگر مراسم گروهی است. پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به این عامل می‌فرماید: «هیچ چیزی را مربوط به زمان‌های بعد خطرناک‌تر از اختلاط و ارتباط مردان با زنان نمی‌بینم». (النوری الطبرسی، ج ۱۴۰۸ ق: ۱۴ / ۳۰۶)

۲. نکته مهمی که باید در بحث روابط دختر و پسر بدان توجه کرد، گلوگاه آن است. به نظر می‌رسد جوهره بحث به هویت جنسی دختر و پسر بازمی‌گردد نه هویت انسانی. دختر و پسر در هویت انسانی مشترک و در هویت جنسی از هم متمایزند. از این رو، در تعریف بایسته‌های روابط آن دو باید به این نکته توجه کرد. برخی معتقدند در حیطة هویت انسانی (که وجه اشتراک دختر و پسر است)، تعامل و ترابط

بلامانع است، اما برای اینکه این ارتباطات از آفات و آسیب‌ها مصون بمانند، رعایت برخی قیود و حدود ضروری است. (منصوری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۸)

۳. گفته شد که هر رابطه‌ای از جنس نامشروع، از دیدگاه اسلام حرام است. اما حتی همه روابط اجتماعی مشروع هم در همین اندازه باقی نمی‌مانند. افلاطون معتقد است اساساً بدون وجود رابطه جنسی میان زن و مرد، دوستی به‌ندرت اتفاق می‌افتد و بدان حد نادر که حکم عدم باشد. (جاودانی، ۱۳۸۲: ۴۵)

بنابراین هرچند تصور دوستی صمیمی میان دختر و پسر، بدون وجود انگیزه‌های جنسی، تصور محالی نیست، عملی شدن چنین رابطه‌ای چندان عقلانی نیست؛ زیرا دیدار و تماس‌های بصری و کلامی، نگاه‌های دوستانه همراه با خنده و شوخی و ابراز علاقه زیاد میان دو جنس، معمولاً موجب تحریک جنسی می‌شود. با وجود تحریک‌های مداوم تضمینی وجود ندارد که انگیزه‌های جنسی به‌صورت ناخودآگاه به‌وجود نیاید؛ به همین دلیل احتمال انحراف در چنین روابطی بالاست. این انحرافات صرفاً جنسی نیستند بلکه می‌توانند خروج از حدود شرعی نیز باشند مانند مکالمه، نگاه و ... که تنها اختصاص به مجردین نیز ندارد. ابوبصیر می‌گوید:

به زنی قرآن تعلیم می‌دادم، پس با او به چیزی شوخی کردم؛ سپس نزد ابی‌جعفر رفتم. ایشان فرمود: چه چیزی به آن زن گفتی؟ رویم را پوشاندم. حضرت فرمود: به‌سوی او بازنگرد. (حر عاملی، ۱۳۹۷: ۱۴ / ۱۴۴)

۴. بین چند نظریه‌ای که شرحش گذشت، نظریه اعتدال از همه مقبول‌تر به نظر می‌رسد. در پژوهش‌های میدانی به عمل آمده توسط نگارندگان در محیط‌های دانشجویی، ۷۲/۱ درصد دانشجویان یعنی ۱۷۳ نفر از ۲۴۰ نفر آنها در پاسخ به این سؤال که با کدام یک از عبارات زیر موافق هستید، از بین چهار گزینه ارتباط کاملاً آزاد با جنس مخالف، منع شدید ارتباط، ارتباط با جنس مخالف در صورت لزوم و وجود ارتباط میان دو جنس با رعایت اعتدال و میانه‌روی، گزینه آخر یعنی اعتدال را انتخاب نموده بودند و ۱/۷ بدون پاسخ، ۷/۱ گزینه منع شدید، ۱۳/۸ گزینه در صورت لزوم و ۵/۱ آنها گزینه ارتباط آزاد را انتخاب کرده بودند.

همچنین تحلیل آزمون نشان داد ۱۲۷ نفر از ۲۴۰ نفر یا ۵۳/۲ درصد از دانشجویان گرایش‌های بالایی به برقراری ارتباط، و ۴۶/۸ درصد گرایش میانه و پایین‌تری به آن نشان داده‌اند. هرچند گرایش دخترها به رابطه با جنس مخالف نسبت به پسرها منفی‌تر بود، تفاوت معنی‌داری از این لحاظ با یکدیگر ندارند. به‌هرحال از نظر نگرش، همه دانشجویان نگرش متوسطی نسبت به این موضوع داشتند.

اما در بعد بررسی وضعیت باورهای مذهبی دانشجویان در خصوص چگونگی روابط، کمترین نمره ۹ و

بیشترین آن ۳۰ ارزیابی شد و میانگین نمره ۱۹/۳ و انحراف معیار آن ۴/۷ بود. نتیجه‌نهایی نشان داد ۱۲۴ نفر یعنی ۵۱/۹ درصد باورهای مذهبی متوسط، و ۱۰۱ نفر یعنی ۴۱/۸ درصد باورهای مذهبی قوی‌تری داشتند. به عبارت دیگر، باورهای مذهبی بیشتر دانشجویان در این باره متوسط و نیازمند آموزش‌های دینی و مذهبی ارزیابی شد.

با این تحلیل می‌توان اصل وجود ارتباط براساس ضرورت را پذیرفت ولی وجود آسیب‌های موجود باید به واسطه قوت بخشیدن به مبانی اعتقادی و دینی دانشجویان و آموزش رفع و رجوع گردد.

به نظر می‌رسد اسلام اصل اولیه در روابط بین زن و مرد را کاهش و تقلیل می‌داند. اسلام معتقد است به دلیل وجود جاذبه‌های جنسی که میان زن و مرد وجود دارد، ارتباط این دو در معرض انحراف است؛ هرچند این انحراف در سطح گفت‌وگو و نگاه باشد؛ بدین صورت که احساس هریک از زن و مرد، در گفت‌وگو و مراجعه با نامحرم، با زمانی که با هم جنس خود گفت‌وگو می‌کند متفاوت است؛ از این رو، اسلام به جهت پیشگیری از آلوده شدن روابط مشروع اجتماعی به روابط نامشروع، به کاهش روابط زن و مرد نامحرم توصیه، و تنها به موارد لازم و ضروری آن اکتفا کرده است.

در روایت معروف حضرت زهرا علیها السلام که می‌فرماید: «بهتر است برای زنان که مردان آنها را نبینند و آنان نیز مردان را نبینند» کلمه خیر (بهتر) به کار رفته است؛ یعنی هر چند ممنوعیت کلی برای نگاه زن و مرد وجود ندارد، هرچه روابط با جنس مخالف کمتر باشد، بهتر است. همچنین سیره قطعی و مستمر متشرعه، دلالت بر رجحان کاهش ارتباط دارد.

افزون بر اینکه به نظر می‌رسد اجرایی کردن نظریه اعتدال در برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی دچار مشکل شود؛ زیرا، با عادی‌سازی روابط و اکتفا به توصیه‌هایی شرعی نمی‌توان انتظار داشت زن و مرد در محیط‌های دانشجویی، سازمانی و اداری به‌ویژه میان جوانان که در اوج نیاز جنسی و تمایل به جنس مخالف‌اند، روابط کاملاً سالم و مشروعی داشته باشند. چنین فرهنگی قابلیت تحقق خارجی ندارد. (بازتاب اندیشه، ۱۳۸۳: ۴۳ - ۴۲)

نقدهای فوق نسبت به نظریه اعتدال، به منزله تأیید نظریه اضطرار نیست؛ بلکه می‌تواند ما را به اصل دیگری تحت عنوان «رعایت اعتدال با رویکرد تقلیل و کاهش روابط زن و مرد» برساند. به عبارت دیگر، ضمن پذیرش روابط معمولی اجتماعی در حد لزوم، با استفاده از عوامل فرهنگ‌ساز و برنامه‌ریز در جامعه مانند نخبگان، اندیشمندان و هنر، باید در جهت کاهش حداقلی روابط در مجامع عمومی کوشید. البته اگرچه نظریه اعتدال در برخی عرصه‌ها بنا به مصالح و ضرورت‌ها ممکن است اجرایی نباشد، در بیشتر عرصه‌ها می‌توان به عملیاتی شدن آن امیدوار بود.

بنابراین به نظر می‌رسد درخصوص ارتباط جوانان با جنس مخالف خود از جمله دانشجویان با توجه به احتمال بالای پیدایش آسیب‌ها در روابط معمول اجتماعی، بهتر است بنا بر تقلیل ارتباطات و به حداقل رساندن آن گزارده شود و برای پیوندخواهی جنسی با انگیزه ازدواج با آگاهی خانواده در فرآیند زمانی مشخصی تعریف، و درصورت نیاز به آشنایی‌های عمیق‌تر و بیشتر، صیغه محرمیت بین آنان جاری گردد. ۵. نظریه معروف با استفاده از آیات قرآن رویکرد معتدلانه را دنبال نمود. در تبیین این نظر گفته شد که عرف تعیین‌کننده معروف است. اما نقد وارد بر آن عبارت است از:

در تبیین حد و مرزهایی که در لسان شرع آمده است، جای مراجعه به عرف نیست. فقیه می‌بایست موضوعات احکام را از حیث مفهومی، با مراجعه به منابع لغوی و روایی روشن سازد و حکم شرعی آن مفهوم را بیان نماید. آنگاه مکلفین با توجه به مفهوم بیان شده توسط فقیه، مصادیق خارجی آن مفهوم را تشخیص دهند. فقیه در مسئله معروف بایستی حدود مفهوم معروف را به‌خوبی بیان نماید و لذا نمی‌توان در فهم اینکه معروف یعنی چه و خصوصیات معروف چیست به عرف رجوع کرد. (همان)

راهکارهای تعدیل و کنترل

با این وصف با توجه به آسیب‌های موجود در رویکرد اعتدال جهت هموار کردن آسیب‌ها و مشکلات باید با آموزش و ارتقا مهارت دانشجویان در مواجهه سالم با جنس مخالف، آنها را در کنترل و تعدیل‌گریزه جنسی یاری رساند. لذا در دو محور این امور قابل ارائه‌اند:

یک. کنترل و تعدیل‌گریزه جنسی

گریزه جنسی یکی از نیازهای مهم فیزیولوژی هر انسان به‌خصوص پس از دوره بلوغ و در دوران جوانی است. اما مسلماً فرصت برآورده کردن آن در مقطعی امکان‌پذیر نیست. ازاین‌رو، ازسویی متولیان باید عوامل تحریک‌آمیز جامعه را به حداقل ممکن برسانند و از سوی دیگر جوان در چنین برهه‌ای با خویشتن‌داری نفس خود را کنترل نماید.

اما درصورت فراهم بودن امکانات، ازدواج دائم بهترین راهکار بوده، در موارد خاص با در نظر گرفتن آسیب‌های احتمالی آن خصوصاً نسبت به بانوان (بنگرید به: رافعی، ۱۳۸۲) ازدواج موقت یا صیغه محرمیت، به‌منزله گزینه دوم، می‌تواند مناسب باشد.

دو. آموزش

به نظر می‌رسد چگونگی ایجاد رابطه با جنس مخالف و تعیین محدوده آن، برای افراد خصوصاً جوانان

ابهام‌آمیز باشد. در پژوهش میدانی انجام شده، ۶۸٪ از دانشجویان به این پرسش که آیا گذراندن دوره‌های آموزشی خاص درباره احکام شرعی مربوط به روابط با جنس مخالف ضرورت دارد؟ پاسخ مثبت دادند و ۲۱/۳ آنها گزینه نظری ندارم و ۹/۶ پاسخ منفی را برگزیدند و ۱/۳ نیز به این پرسش پاسخی ندادند. این نکته مسئله لزوم آموزش برای افزایش آگاهی نسبت به روابط سالم و آسیب‌زا را کاملاً تأیید شده است.

دختر و پسری که در رابطه‌ای متقابل قرار می‌گیرند ممکن است در معرض فعالیت‌های مضر زیادی قرار گیرند که وجود عشق مفرط در رابطه، به آسیب‌های احتمالی و واقعی آن توجه ندارند. در چنین روابطی معمولاً آسیب‌های از نوع جنسی، جسمی و هیجانی محتمل است و حتی ممکن است افراد ناخواسته در موقعیت‌های خطرناک مانند تجاوز جنسی و بارداری ناخواسته قرار گیرند. اگرچه هم پسران و هم دختران ممکن است به یکدیگر آسیب وارد کنند، شیوع این کار از جانب پسران علیه دختران مزمن و شدیدتر است. (هیگمن - براون ۱۹۹۹؛ لوی، ۱۹۹۷، به نقل از: یوسفی، اشرف و هویدا فر، ۱۳۸۶: ۸۹)

از این‌رو، طرح‌های زیادی در کشورهای اروپایی - آمریکایی برای آموزش روابط سالم با عناوین گوناگونی مانند: انتخاب سالم‌تر، انتخاب مغرورانه، کاهش خطر اجرا و ... صورت پذیرفته است. (همان: ۹۰)

پژوهشی در کشور با عنوان «بررسی اثر آموزشی روابط سالم بر افزایش آگاهی دختران در روابط آسیب‌زای دختر و پسر» انجام گرفت که نتیجه آن بیانگر تأثیر آموزش روابط سالم بر افزایش آگاهی دختران از روابط آسیب‌زای دختر و پسر بوده است. نتیجه این تحقیق با سایر تحقیقات آموزشی که در سراسر جهان به‌منظور کاهش آسیب‌های ناشی از روابط، صورت گرفت همخوانی دارد. امتیاز این تحقیقات در پی‌گیری‌های بلندمدت و اثرات ماندگار آنهاست. نتیجه برخی از این پژوهش‌ها حاکی از ادامه اهداف آموزشی مزبور تا ۳۱ ماه پس از آموزش بوده است. هرچند به دلیل تفاوت فرهنگی و شدت و عمق مشکلات در کشورهای دیگر، محتوای جلسات آموزشی کاملاً متفاوت است، این پژوهش‌ها حاکی از تأثیر آموزش‌ها در افزایش رفتار سالم با توجه به فرهنگ خاص آن جامعه‌اند. (همان: ۸۷ - ۶۵)

هرچند نکات فوق دربرگیرنده آموزش تربیت جنسی در بین جوانان است، با توجه به مسلمان بودن اکثر افراد در کشور، نیاز به آموزش‌های دینی در بین آنها به‌شدت وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، محدوده بسیاری از حلال‌ها و حرام‌ها در احکام مربوط به نگاه، پوشش، رفتار، گفتار و ... برای عموم مردم ناشناخته است. تربیت رفتار اجتماعی افراد مستلزم حداقل دو عامل مهم است: شناخت صحیح و درست الگوی مناسب رفتار اجتماعی؛ و ارائه صحیح این الگو به افراد. (احمدی، ۱۳۷۸: ۶۵ به بعد)

در همین راستا نکته حائز اهمیت اینکه غفلت از موضوع مهم آموزش باعث می‌شود در سال‌های آینده سمت‌وسوی برنامه‌های آموزشی کشور ما نیز مانند کشورهای دیگر بیش از آنکه در جهت آموزش

روابط سالم باشد جهت‌گیری جنسی داشته، به بستری برای آشنایی با وسایل پیشگیری از بارداری، بیماری‌های مقاربتی، آموزش کاربرد آنها و شیوه‌های افزایش به‌کارگیری این ابزارها تبدیل شود. (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۵)

بنابر موارد گفته‌شده، به نظر می‌رسد می‌توان الگوی مطلوب دینی در ارتباط دختر و پسر، یعنی «ارتباط مقید و مشروط» - نه نفی ارتباط به‌صورت مطلق و نه وجود ارتباط آزاد - را آموزش و آن را به‌خصوص در فضاهای دانشجویی که ضرورتاً این ارتباط اجتناب‌ناپذیر است نهادینه کرد.

نتیجه

بی‌تردید در اجتماع‌گریزی از روابط معمول اجتماعی نیست. آنچه سنت و سیره معصومین و بزرگان نیز از آن حکایت می‌کند منع وجود هرگونه رابطه‌ای بین دو جنس مخالف نیست؛ اما براساس دیدگاه معتدلانه صرف از آنجا که هم امکان تفسیرهای گوناگون از آن وجود دارد و هم رابطه بین طرفین به‌دلیل جاذبه‌های جنسی و کشش‌های عاطفی به مرور دستخوش تغییرات می‌شود؛ نمی‌توان آن را کاملاً مطابق با دیدگاه دینی دانست؛ بنابراین، بهتر است اصل تعدیل در روابط را با رویکرد کاهش دنبال نمود. در همین راستا از جمله اساسی‌ترین راه‌های رسیدن به مطلوب دین، آموزش صحیح و استفاده از خویشتن‌داری و ترویج ازدواج آسان است. در غیر این صورت، هریک از دیدگاه‌های افراطی و تفریطی ویرانگر بوده، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جامعه وارد خواهد ساخت.

دانشگاه‌ها اصلی‌ترین صحنه رقابت‌های علمی‌اند که اگر در آن روابط سامان نیابد شاهد کاهش راندمان علمی خواهیم بود. بنابراین، ایجاد محیطی علمی، اخلاقی و پویا از جمله وظایف متولیان است تا در بستر آن ضمن رسیدن به اهداف آموزشی، نسل جوان و فرهیخته از آسیب‌های دوره جوانی در امان باشند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۷۶، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابونیا عمران، فرخناز، ۱۳۸۱، بررسی تاریخ جرایم جنسی از دوران باستان تاکنون، ساری، رنگارنگ.
۴. احمدی، علی اصغر، ۱۳۸۷، تحلیلی تربیتی بر: روابط دختر و پسر در ایران، تهران، سازمان انجمن اولیا و مربیان.
۵. احمدی، محمدرضا (با همکاران جمعی از محققان)، ۱۳۸۴، روابط پسر و دختران (پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی)، قم، معارف.

۶. اکبری، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، مشکلات نوجوانی و جوانی، تهران، رشد و توسعه.
۷. بانکی پور فرد، امیرحسین، ۱۳۸۰، «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت‌ها و رویکردها، ج ۲، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۸. پیز، آلن و باربارا، ۱۳۸۴، آنچه زنان و مردان نمی‌دانند (حقایق درباره برقراری ارتباط با جنس مخالف)، ترجمه زهرا افتخاری، تهران، نسل نو اندیش.
۹. جاودانی، نیاز، ۱۳۸۲، روابط دختر و پسران در جامعه امروز، تهران، کتاب درمانی.
۱۰. جمعی از نویسندگان (محمدتقی اسلامی، احمد دبیری، مهدی علیزاده)، ۱۳۸۸، اخلاق کاربری چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق علمی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. جوان، عبدالله، ۱۳۸۷، بررسی روابط دختر و پسر در ایران، قم، دفتر عقل.
۱۲. حجازی، بنفشه، ۱۳۷۶، به زیر مقنعه (بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی)، تهران، علم.
۱۳. _____، ۱۳۸۱، ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی)، تهران، قصیده سرا.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۷ ق، وسائل الشیعه، قم، مکتبه الاسلامیه.
۱۵. خطیبی، شهلا، ۱۳۸۴، «شکست تحصیلی بارزترین عارضه دوستی و ارتباط دختران و پسران»، مجله پیوند، ش ۳۰۷.
۱۶. دلریش، بشری، ۱۳۷۵، زن دوره قاجار، تهران، دفتر مطالعات دینی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. دیلمی و آذربایجانی، احمد و مسعود، ۱۳۷۹، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
۱۸. ذکایی، محمد سعید، ۱۳۸۶، فرهنگ مطالعات جوانان، تهران، آگاه.
۱۹. رافعی، طلعت، ۱۳۸۲، تحلیلی بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت، تهران، دانشه.
۲۰. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۸۰، آناتومی جامعه، تهران، انتشار.
۲۱. صالحی، صدیقه، ۱۳۸۵، «اختلاط و انفکاک در محیط‌های اجتماعی زنانه و مردانه از مبانی اسلام تا فمینیسم پست مدرن»، فصلنامه بانوان شیعه، ش ۱۰.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۳. طیبی، ناهید، ۱۳۸۰، «مشکلات دختران دانشجو؛ اولویت‌ها و رویکردها»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت‌ها و رویکردها، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۲۴. علم مهرجردی، نسرين، ۱۳۸۱، روابط دختر و پسر در جامعه کنونی ما، تهران، آن.
۲۵. فرهنگي، علي اکبر، ۱۳۸۸، ارتباطات انسانی، تهران، رسا.
۲۶. فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۷، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از نظر قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث.
۲۷. کریمی، یوسف، ۱۳۷۴، روان‌شناسی شخصیت، تهران، ویرایش.
۲۸. کشوری، امین، ۱۳۸۷، حجاب من، بی‌جا، زهیر.
۲۹. کلو موروتزی، صادقی، فاطمه نورما و ابراهیم نسکافی، ۱۳۸۶، «دختران جوان ایران روایت‌های مدرن از نابرابری‌های سنتی»، کتاب زنان، ش ۱۴۹.
۳۰. کلینی، یعقوب، ۱۳۶۳، کافی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. محمد قاسمی، حمید، ۱۳۷۳، اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۲. مطهری، مرتضی، بی‌تا، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم، صدرا.
۳۳. مظاهری، علی اکبر، ۱۳۷۷، خانواده ایرانی، ترجمه عبدالله توکلی، تهران، قطره.
۳۴. معاونت آموزش دادگستری قم، ۱۳۸۴، نگاهی به روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، قم، نشر قضا.
۳۵. معصومی، سید مسعود، ۱۳۷۹، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، قم، بوستان کتاب.
۳۶. منصوری‌نژاد، محمد، ۱۳۸۴، مسائل دختران (بحران هویت، روابط یا پسر، شکست در عشق و مسأله تربیت)، تهران، جوان پویا.
۳۷. النوری الطبرسی، حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث.
۳۸. نیکزاد، عباس، ۱۳۸۳، «روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام ترویج، تعطیل، تعدیل»، کتاب زنان، ش ۲۵.
۳۹. _____، ۱۳۸۳، «روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام، ترویج، تعطیل، تعدیل»، بازتاب اندیشه، ۱۳ صفحه، ش ۵۶ - ۵۵.
۴۰. ویتز، پل، ۱۳۸۳، «زوال خانواده»، بازتاب اندیشه، ش ۴۹.
۴۱. یوسفی، اشرف، زهرا هویدافر و رضوان محمدرضا، ۱۳۸۶، «سالم‌سازی روابط دختران و پسران» مجله تازه‌های روان‌درمانی (هیپنوتیزم)، ش ۴۴ - ۴۳.